

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی
هم چین و هم آمریکا، پیام
اتحادیه کشورهای جنوب شرقی
آسیا

گردهمایی رهبران کشورهای عضو ASEAN (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) که اواخر سال ۲۰۰۴ به منظور امضای قرارداد تجارت آزاد با چین در پایتخت ویتنام صورت گرفت، آن چنان موفقیت آمیز بود که تاثیرات قابل توجهی را بر روابط تجاری کشورهای درگیر، به جا نهاد. براساس قراردادی که بین ده کشور آسیایی به امضا رسید، سدهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای مابین آنان تدریجا از میان برداشته شده و از این رو بسیاری از مشکلات تجاری آنان نیز حل خواهد گشت.

در واقع، شش عضو این گروه که به لحاظ اقتصادی بر دیگر اعضاء آن برتری دارند و شامل اندونزی، سنگاپور، مالزی، تایلند، فیلیپین و برونئی می باشند وهمچنین چین، تا ماه ژوئیه سال جاری، هزینه های گمرکی برای ورود چهار هزار نوع محصول را به پنج درصد کاهش داده و تا سال ۲۰۱۰، هزینه های مذکور به طور کامل از میان برداشته خواهد شد. این در حالیست که ویتنام، لائوس، کامبوج و میانمار، تا سال ۲۰۱۵، برای اجرای این امر فرصت خواهند داشت.

آنچه که در این نشست بر هیچیک از شرکت کنندگان پوشیده نبود و در واقع آنرا به نتیجه گیری نهایی رساند این واقعیت بود که در برابر حاکمان کشورهای مذکور، راه حل دیگری جز تن دادن به خواسته های چین که دارای اقتصادی به سرعت در حال رشد است، وجود ندارد.

از سال ۲۰۰۱، چین بیش از ۹ درصد سرمایه گذاریهای بزرگ را به خود جلب کرده است. این در حالیست که این مقدار پنج برابر کل سرمایه گذاریهای سایر کشور های عضو ASEAN است. طی ده سال گذشته، صادرات صنایع چین به دو برابر سهم خود رسیده است. در این رقابت، دیگر اعضای گروه مذکور، بازنده ای بیش نبوده اند.

در سال گذشته رشد اقتصادی جهان به ۵ درصد رسید که این بیشترین میزان رشد در ۳۰ سال گذشته می باشد. با توجه به اینکه در این میان آمریکا ۴/۴ درصد، اروپا ۲/۲ درصد، ژاپن ۴/۸ درصد، کشورهای در حال توسعه ۶/۶ درصد، آمریکای لاتین ۴/۴ درصد، آفریقا ۴/۵ درصد و آسیا ۷/۶ درصد رشد داشته اند، می توان به اهمیت رشد اقتصادی چین پی برد.

با این وجود، گسترش اقتصادی چین نیازهای تازه ای را در برابر این کشور قرار داده است. با رشد سالانه ۸ تا ۹

درصد، صنایع چین نیازمند دسترسی به مواد خام، انرژی و قطعات وسایل صنعتی گشته اند. از این جهت است که این کشور به سوی کشورهای جنوب شرقی آسیا روی آورده است. از سال ۱۹۹۵، مبادلات تجاری بین این کشورها با چین، ۱۵ درصد افزایش یافته است. این امر، روابط تجاری کشورهای عضو را با آمریکا به سرعت تحت الشعاع قرار داده است. بر اساس آمارهای اخیر، مبادلات با چین به ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالیست که مبادلات تجاری با آمریکا، ۱۲۰ میلیارد دلار و با اروپا ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است.

نگران از دست دادن تسلط اقتصادی در این منطقه، واشنگتن این نشست و نتایج حاصله از آن را تهدیدی انگاشته و از این رو واکنش سرد بدان نشان داده است.

روزنامه واشنگتن پست در این رابطه می نویسد: "این قرارداد نشان می دهد که چین با ایجاد متحدان جدید از نفوذ آمریکا در این منطقه کاسته و در نهایت چالشی بزرگ در برابر منافع واشنگتن ایجاد خواهد کرد." باید توجه داشت که در سال ۱۹۶۷ و پس از کودتای خونینی که به پشتیبانی آمریکا در اندونزی روی داد، سازمان ASEAN تشکیل گشت. این گروه با هدف حمایت از آمریکا و علیه چین شکل گرفت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، تعدادی از اعضا کنونی گروه مذکور، متمایل به ایجاد همکاریهای اقتصادی با آمریکا گشتند. طی سالهای ۱۹۹۰، ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به جمع آنان پیوستند.

رهبران این گروه از بالاگرفتن اختلاف و بحران در روابط چین و آمریکا سود جستند و به تلاش در کسب رضایت هر دو کشور پرداختند. امروزه آنها هنوز به آمریکا برای بازار صادرات خود نیازمند هستند.

در شرایط کنونی جهان و بحرانی که ایجاد شده، رهبران گروه مذکور از رویارویی با کشورهایی که می توانند برای بازار آنان مفید باشند خود داری می کنند. برای پیشبرد این نظر، آنان از نخست وزیر استرالیا، جان هاوارد و همردیف نیورلندی او، هلن کلارک نیز برای اولین بار جهت حضور در این نشست دعوت کرده بودند اما با پاسخ منفی دو کشور مذکور روبرو گشتند.

شکی نیست که نزدیکی چین با ده کشور مذکور در روابط با آمریکا بحران هایی را به دنبال خواهد داشت. از هم اکنون می توان آثاری از این امر را در عدم پذیرش ریاست برمه در سال ۲۰۰۶ و هنگامی که نوبت این کشور در این گروه خواهد بود، مشاهده کرد. دولت بوش حتی به تحریم اقتصادی علیه این کشور دست زده است و در پی تغییر رژیم و استقرار حکومتی دست

نشانده خود برآمده است. این در حالی است که چین بر گرمای رابطه خود با برمه افزوده است.

در سال جاری باید در انتظار حملات جدیدی از جانب آمریکا به بهانه های متعدد علیه این کشورها و همچنین صف بندی تازه ای در برابر این یارکشها بود.

سونامی، فاجعه طبیعت و رویارویی طبیعت امپریالیسم و وابستگیان

زمانی انیشتن اصرار می ورزید که خدا با جهان قمار نخواهد کرد. بی شک، این گفته اکنون نمی تواند در میان میلیونها نفر که همه هستی خود را تنها در طول یک لحظه ی کم ارزش در اثر فاجعه سونامی از دست دادند خریداری داشته باشد. در یک لحظه کودکان در ساحل پهناور اقیانوس هند و زیر آفتاب گرم به دنبال یکدیگر می دویدند، فریاد می زدند، می خندیدند و لحظه ای دیگر...

چهره های پژمرده، چشمان اشکبار و دستهای جستجوگر در انبوه گل و تکه پاره های خانه های ویران شده، عزیزان خود را با ناامیدی جستجو می کردند.

زمین لرزه و سونامی حاصل از آن که روز ۲۶ دسامبر در اقیانوس هند به وقوع پیوست، بیش از ۲۲۰ هزار کشته و نزدیک به ۵ میلیون نفر را در ۱۲ کشور، آواره بر جای گذاشت. این فاجعه تاثیر عمیق مردم سراسر جهان را برانگیخت.

همه ای مرگ و نابودی ای که این حادثه ایجاد کرد و داستانهای درد آوری که بر سر زبانها، صفحات روزنامه ها و رسانه ها انداخت، جهان نمونه هایی از شجاعت، همدردی، همبستگی و سخاوت مردم عادی در واکنش به این حادثه را نیز مشاهده کرد. از ساکنین مناطق نزدیک به حادثه گرفته تا توریستها، متخصصان، کارگران و مردم روستاهای اطراف، به کمک شتافتند. در ساعات اولیه، مردم کشورهای تحت تاثیر این فاجعه، با اهدای پول، کمکهای انسانی و از خود گذشتگی، به یاری بازماندگان و نجات قربانیان شتافتند. هنوز چندی نگذشت که کمکهای انسانی و مالی مردم و مددکاران کشورهای دیگر نیز بدان سو سرازیر گشت.

اما از جانب دیگر، اقدامات دولتهای آسیایی و بین المللی در برابر این فاجعه عظیم انسانی کند و ناکافی بود. هیچ یک از کشورهای منطقه زحمت اعلام اقدام فوری برای کمک به مردم را به خود ندادند. این در حالی بود که زمان و محل زمین لرزه ای که منجر به یورش سونامی شد، در همان ۱۵ تا ۳۰ دقیقه اول تشخیص داده شده بود. با این حال، هیچ حرکتی صورت نگرفت. در این منطقه، برخلاف اقیانوس آرام،

هیچگونه سیستم اعلام خطر وجود ندارد اما دولتهای حومه اقیانوس هند به هیچوجه آمادگی نداشته و تجهیزات رسیدگی به چنین فجایی را مهیا نکرده اند. اگرچه مددکاران ساعتهای زیادی را بی وقفه صرف کمک به قربانیان کردند اما این به هیچ رو جوابگوی نیازهای فوری آنان نمی توانست باشد.

آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا و ژاپن که توان پرداخت بالاترین کمکها را هم به لحاظ پرسنلی و هم تکنیکی و تخصصی دارند، واکنشی بی اعتناگونه به این فاجعه داشتند. بر کسی پوشیده نیست که همه این کشورها دهها و بلکه صدها میلیارد دلار صرف تهاجم ناعادلانه به عراق و افغانستان کرده اند اما در برابر چنین رویدادی که بر زندگی میلیونها نفر تاثیرات خانمان سوز و مرگباری داشت، در مجموع حاضر به پرداخت تنها صد میلیون دلار شدند. مبلغی که حتی نیازهای فوری و پایه ای قربانیان این فاجعه را پاسخگو نبوده است.

سطح و مقدار این کمکها آن چنان به نسبت نیاز موجود پایین بود که جن اگلند، مدیر تدارکات کمکهای فوری در سازمان ملل در این باره گفت: "من نمی توانم بفهمم که چرا واقعا ما تا این حد خسیس هستیم. کریسمس باید حداقل به کشورهای غربی یادآوری کند که تا چه سطح از امکانات مالی برخوردار هستند." او ادامه داد: "این جا تعدادی از اهدا کنندگان هستند که در زمان قبل از رشد اقتصادی جهان دست و دل باز تر بودند." بنا به تخمین آقای ایگلند، دستکم ۱۵ میلیارد دلار برای رسیدگی به قربانیان "بزرگترین فاجعه طبیعی در تاریخ معاصر" لازم است.

کمکهایی که کشورهای غربی به خاطرش بسیار جار زدند و آن را به رخ جهان کشیدند، اکثرا قولهایی تو خالی بوده اند. گزارش سازمان OXFAM در این باره حاکی از ادامه همان روال برخورد با فاجعه زلزله بم و طوفان میچ در آمریکای مرکزی بوده که به هیچیک از قولهای داده شده عمل نشده است.

در این میان، رهبران آمریکا و انگلیس که به جنگ و کشتار علیه مردم آنها، به نام آزادی و زندگی بهتر پرداخته اند، نسبت به این فاجعه طبیعی واکنش طبیعی امپریالیستها را به نمایش گذاشته اند. رفتار بی تفاوت آنها از نخستین روز در برابر متلاشی شدن زندگی میلیونها نفر حتی رسانه های غربی را نیز به حیرت واداشت.

واکنش آنان در روزهای نخست سکوتی بود که سه روز به طول کشید. بوش به تفریحگاه خود در تکزاس و بلر بقیه در صفحه ۷